

کلاه گشادی که کارفرما بر سر کارگران دو شرکت

تعمیرات نیروگاهی و قطعات توربین شهریار گذاشت



ابراهیم پاینده / -

نیاز نیروگاههای سراسر کشور به تعمیرات پیاپی و حتی خارج از زمان های تعیین شده و از سوی دیگر کاهش نیروی انسانی و اخراج کارگران در هر دو شرکت، حجم و فشار کار را بشدت افزایش داده است. بخشی از امکانات و تسهیلاتی که در کنار دستمزد ثابت به کارگران پرداخت می شد حذف شده است. مجموع این شرایط کارگران را وادار به چندین مورد اعتراض و تجمع در محدوده هر دو کارخانه نموده است. کارگران که از تجمع ها و وعده های کارفرما نتیجه ای نگرفته بودند، در تابستان امسال در دو حرکت جداگانه و در فاصله یک ماه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب چند روز بیشتر طول نکشید. کارفرماهای دو شرکت هراسان از اینکه خبر اعتصاب به کارخانه های همجوار برسد و به قول مدیر حراست شرکت تعمیرات نیروگاهی " ویروس اعتصاب به جاهای دیگر کشیده شود"، به کارگران قول افزایش دستمزدها را تا سطح ۶۵٪ دادند. در طی نشست هایی که نمایندگان کارگران با مدیران هر یک از

دو شرکت تعمیرات نیروگاهی ایران و قطعات توربین شهریار در زمینی مشترک و در جوار یکدیگر قرار دارند. زمینه کاری و فعالیت هر دو شرکت نیز تقریباً مشترک است. یکی در عرصه تعمیرات سنگین نیروگاه های بخار و دیگری در زمینه تعمیر و بازسازی توربین های نیروگاه های گازی فعالیت می کند. تقریباً ۶۰۰ نفر در هر دو شرکت مشغول به کارند. بدلیل انحصاری بودن تولید این دو شرکت در سطح ایران و نوع فعالیت آنها، میزان ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران دو شرکت اعدادی نجومی است و سر به آسمان می ساید. در مقابل تولید این حجم انبوه ارزش اضافی که تولید می شود، بسان بسیاری دیگر از مراکز کار و تولید، دستمزدهای کارگران هر دو شرکت حتی در قیاس با دستمزدهای سایر شرکت های همجوار بسیار نازل می باشد و همین دستمزدهای اندک نیز با تاخیر چند ماهه پرداخت می شود. از یک سو بحرانی که در حوزه صنعت برق در سال های اخیر به اوج رسیده و

دو شرکت برگزار کردند مقرر شد طی چند ماه پاییز سال جاری افزایش دستمزدها طی فرمولی !!! محاسبه و به کارگران پرداخت گردد و در مقابل کارگران به سر کار خود بازگردند. برای بسیاری از کارگران نرخ ۶۵٪ افزایش دستمزدها غیر قابل باور بود و به اساس موضوع با شک می نگریستند. پس از چند هفته کارفرمایان سرمایه از درون آزمایشگاههای سلاخی زندگی کارگران، فرمول مزبور را یافتند و آن را رسماً به کارگران ابلاغ کردند:

- ۶۵٪ به آئتم هایی از دستمزد کارگران (و نه همه آنها) تا پایان سال ۱۴۰۰ افزوده خواهد شد.
- ۴۰٪ از مبلغ فوق مستقیم به حساب آنان واریز و در فیش دستمزد دریافتی آنان منظور می شود.
- ۲۵٪ باقیمانده در فیش حقوقی منظور نمی شود و تنها در یک کارت اعتباری شارژ و هر نفر می تواند با آن از مراکزی خاص خرید نماید.

- تمامی تسهیلاتی که در طول سال و تحت نام های مختلف (پاداش پایان سال، کارانه، کمک های غیرنقدی و...) و به عنوان بخشی از دستمزد به کارگران پرداخت می شد قطع خواهد شد.

- مبنای عیدی پایان سال همان میزانی خواهد بود که اداره کار دولت اسلامی سرمایه اعلام می کند.

آنچه که تحت عنوان افزایش دستمزد و با هیاهو از سوی کارفرمایان دو شرکت اعلام شد کلاه بزرگی بود که بر سر کارگران گذاشته شد. با توجه به قطع بسیاری از وجوهی که در طول سال دریافت می کردند، جمع دستمزد دریافتی آنان در پایان

هر سال چیزی بیشتر از گذشته نخواهد بود. این فقط تبلیغات فریب آمیز کارفرمایان است که گفته اند: "در حالی که بسیاری از کارخانه ها و مراکز تولیدی در ورشکستگی کامل به سر می برند و از پرداخت مزدهای ماهانه عاجزند، کارفرمایان این دو شرکت به یک باره ۶۵٪ به دستمزد ها را اضافه کردند."

در رابطه با مطلب فوق، چند نکته را با همزنجیران شاغل در این دو شرکت مطرح می کنیم:

۱- اعتراضات شما یک بار دیگر نشان داد که راه واقعی تحمیل خواسته ها بر سرمایه داران چیست. شما خوب می دانید که آن ها قدرت دارند و لاجرم فقط هنگامی تسلیم خواسته های کارگران می شوند که تیغ تیز قدرت توده کارگر معترض را بر گردن خود لمس کنند. به بیان دیگر کارگران با قدرت متحد و اراده استوار در مقابل کارفرمایان قرار گیرند. از تصمیم خود منصرف نشوند، اسیر تردید و تزلزل نباشند، اتحادشان پابرجا بماند و سرمایه دار قادر به متزلزل ساختن آن نشود. در چنین وضعی است که سفاک ترین کارفرما هم خود را مجبور به مامشات و عقب نشینی می بیند. به این دلیل که سلول، سلول وجود او به سود و فقط سود می اندیشد، سرمایه فقط سود و ارزشی است که کارگران تولید می کنند و اگر کارگران با قدرت چرخه تولید سود را از کار اندازند، سرمایه دار اساس سرمایه دار ماندنش را در خطر می بیند. در چنین وضعی است که او از وحشت مرگ به تب رضایت می دهد و راه تسلیم پیش می گیرد. شما به خوبی دید که تحصن و نامه نگاری و

ارسال عریضه برای مدیران شرکت راه به جایی نبرد و در واقع، کسی واقعی به اینگونه کارها ننهاده. وقتی کارگران اعتصاب را شروع کردند و تولید حتی بصورت محدود و در قسمت هایی در هر یک از دو شرکت (از حرکت باز ماند، کارفرمایان سرمایه حاضر به گفتگو با کارگران شدند.

۲- بارها از طریق همین تریبون کارگری و در این نشریه اعلام نموده ایم که گسستگی و پراکندگی اعتصابات کارگری مانع دستیابی کارگران به مطالبات معیشتی است. بخشی از کارگران قطعات توربین شهریار در اواخر تابستان دست به اعتصاب زدند، سایر کارگران از آنان حمایت نکردند. چند ماه بعد کارگران چند کارگاه (و باز هم نه همه آنان) شرکت تعمیرات نیروگاهی دست به اعتصاب زدند. با اینکه کارگران هر دو شرکت از اعتراضات و اعتصابات گذشته خود کاملاً مطلع بودند اما هیچ اقدام مشترکی، هیچ شور و مشورت جمعی به منظور هماهنگی و اعمال قدرت متحد بر کارفرمایان بین آنها صورت نگرفت.

۳- سرمایه داران در سرکوب فیزیکی و فکری ما کارگران در هر نقطه از جهنم سرمایه داری عموماً متحد و یکپارچه عمل می کنند. درخصوص موضوع فوق نیز کارفرمایان هر دو شرکت کاملاً هماهنگ و متحد با یکدیگر دست به شیادی

زدند و با سلاخی دستمزدهای شما، اقدام خود را به شکل باژگونه، افزایش دستمزد جا زدند. ما کارگران نیز چاره ای جز اتحاد با یکدیگر در حمله به تک تک مواضع سرمایه نداریم. ضمن ارجگذاری به تلاش شما دوستان در اعتصابات تابستان و پاییز، جای تاسف است که سرمایه داری و ارکان آن همسو، هماهنگ و متشکل مبارزات ما را سرکوب می کنند اما ما در گسستگی و پراکندگی رقت بار به سر می بریم.

۴- تجربه سالها اعتراض در اشکال مختلف در جنبش کارگری نشان داده است که تا هنگامی که از محدوده مرکز کاری خود بیرون نیاییم، همزنجیران و همدردان خود در سایر مراکز کار و تولید را نیابیم، با آنها بر سر چگونگی حصول مطالبات خود به شور و مشورت ننشینیم، ضعف ها و نقاط قوت تحرکات و اعتراضات را جمعی نقد نکنیم و در نهایت مسیر مبارزه آتی مان را با دخالتگری همه آحاد حاضر در اعتراضات تعیین نکنیم، به هیچیک از خواسته ها و مطالباتمان نخواهیم رسید، بهبودی ولو اندک نیز در زندگی مان حاصل نخواهد شد و این سرمایه و ارکان آن هستند که به طرق مختلف زندگی ما و خانواده هایمان را بیش از پیش مورد تعرض قرار می دهند.